

واکاوی نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی شهری در حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی به شهرها با تأکید بر پارامترهای اعتماد و مشارکت مردمی

هادی نیازی^۱، عاطفه صداقتی^۲، محمد جواد صفایی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت توسعه پایدار روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۲- دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۳- دکتری برنامه‌ریزی روستایی، استادیار دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۶

چکیده

بازآفرینی شهری ضمن توجه به کالبد، به ساختار درونی و اجتماعی دمیده شده در شهرها اهمیت داده و منجر به ایجاد هماهنگی با مبانی زندگی اجتماعی مردم در مناطق و بافت‌های نیازمند توجه می‌شود. از طرفی، تقویت بنیان‌های سرمایه‌ای از جمله سرمایه‌ی اجتماعی در مسیر توسعه شهرها حائز اهمیت ویژه‌ای است. در همین راستا، محدوده‌های شهری عمدتاً در حاشیه شهرها، با پیشینه‌ی روستایی که حاصل الحاق روستاها به شهر هستند، با توجه به ساختار فرهنگی، اجتماعی و کالبدی خاص خود، نیازمند این هستند که علاوه بر تطبیق تدریجی ساختار متمایز خود با شهر، در زمینه‌ی بازآفرینی شهری نیز مورد توجه قرار گیرند. در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و از نوع کاربردی هست، سرمایه‌ی اجتماعی با محوریت پارامترهای اعتماد و مشارکت، مبنای مطالعات قرار گرفته‌اند و سعی شده است تا ضمن شناسایی سازوکار بازآفرینی شهری در بافت‌های شهری، ارتباط بحث سرمایه اجتماعی، «مشارکت» و «اعتماد» و نهایتاً تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی و معیارهای مشارکت و اعتماد مردمی در بازآفرینی شهری، صورت پذیرد. طبق یافته‌ها، حاشیه شهرها و به‌طور خاص روستاهای الحاقی به شهر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نهفته سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار شهرها مطرح هستند و با توجه به پیوندهای اجتماعی روستایی، پتانسیل‌های نهفته بسیاری دارا هستند. نیاز به تقویت روابط و پیوندهای اجتماعی در راستای پیشبرد مسیر توسعه شهری، لزوم توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی را پررنگ‌تر نموده و در این بین، مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهرها به‌واسطه وجود حلقه‌های اجتماعی قوی‌تر و سنتی‌تر، در صورت به وجود آمدن یک اعتماد فراگیر و مستحکم می‌توانند با مشارکتی مؤثر و کارا، تحقق اهداف بازآفرینی شهری را تسهیل و تسریع سازند.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد.

۱- مقدمه

تحت نظام توسعه شهری و عدم وجود رابطه صحیح بین محیطزیست و رشد سکونتگاه‌های شهری، در طول سالیان متمادی، شهرها رشد فراوانی یافته‌اند (Francini et al, 2018: 2). مطابق آمارهای موجود، بیش از نیمی از مردم جهان، ساکن شهرها می‌باشند و انتظار افزایش آن در دهه‌های آینده نیز وجود دارد. توسعه سریع شهرنشینی تأثیرات بسیار شگرفی بر بافت‌های ناکارآمد شهری اعم از بافت‌های تاریخی، بافت‌های ناکارآمد میانی، سکونتگاه‌های غیررسمی، محله‌ها و محدوده‌های شهری با پیشینه روستایی و محدوده‌ها و نواحی با کاربری ناهمگون شهری بر جای گذاشته است. این بافت‌های ناکارآمد شهرها دچار خود تخریبی و دگرگونی در ساختار کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شده‌اند؛ اگرچه این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکرد منطقی و سلسله مراتبی بوده‌اند، ولی امروز از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی بوده و اغلب جواب گوی نیاز ساکنین خود نمی‌باشند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶). سیاست‌های توسعه شهری در کشورهای توسعه‌یافته به ویژه در اروپای غربی و امریکای شمالی، در طی دو دهه گذشته، عمدتاً بر برنامه‌های بهسازی، بازآفرینی و توانمندسازی شهری متمرکز بوده است (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴). در دهه ۱۹۹۰ و در کشورهای غربی اقدامات نوسازی با گرایش صرفاً کالبدی مورد انتقاد دولت‌های محلی قرار گرفت که بر این اساس از دولت‌های محلی خواسته شد که با مشارکت بخش خصوصی، دولتی و داوطلبانه پیشنهادهایی برای انجام پروژه‌های بازآفرینی شهری در ناحیه خود ارائه دهند (کلانتری، ۱۳۸۴: ۷۵). در واقع اجرای ناموفق طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری باعث توجه به پدیده جدیدی به نام پایداری در پروژه‌های شهری شده است که از عمده‌ترین رویکردها در زمینه پایداری، احیای بافت‌های شهری و تأکید بر سیاست بازآفرینی است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱: ۵). زمینه ظهور این پدیده را باید توجه به اصول مطرح شده در توسعه پایدار و اهمیت یافتن نقش مشارکت گروه‌های ذینفع در فرایند بازآفرینی شهری دانست (صفایی پور، زراعی ۱۳۹۴: ۱۳۶). از طرفی بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند برای پایداری طرح‌های توسعه شهری و موفقیت آن‌ها، سیاست بازآفرینی شهری و فرهنگ شهرها بایستی توأمان مدنظر قرار بگیرد (Evans, 2005) و از این منظر است که فرهنگ شهرها در واقع به نحوی بحث سرمایه‌های اجتماعی نهفته در شهرها را مبنا و هدف خود قرار داده است.

هدف از اجرای سیاست‌های بازآفرینی شهری و برنامه‌های تجدید حیات شهری، ارتقاء شرایط کیفی زندگی در سکونتگاه‌ها از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات شهری مورد نیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریت محلی مردم‌نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد و دستورالعمل‌های کیفی ساخت‌وساز است (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴). همچنین می‌توان گفت توسعه درونی شهری در حقیقت به‌کارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در برنامه‌ریزی‌های شهری، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی شهری و استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم و غیره است (آئینی، ۱۳۸۷: ۴۰۷) در ایران با توجه به افزایش ارزش زمین و نیز الزامات فرهنگی در مناطق قدیمی و دارای بافت فرسوده، بروز فقر شهری، گسترش آسیب‌های اجتماعی، بحران ایمنی و تاب‌آوری در برابر بلایا، افت

منزلت مکانی و بحران هویت در خرابه‌ها، ناکارآمدی نظام جابجایی و بحران محیط‌زیست؛ توجه به مقوله بازآفرینی شهری در دستور کار قرار دارد. تشکیل ستاد بازآفرینی شهری، شرکت بازآفرینی شهری ایران با نظارت وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن و اجرا در شهرداری‌ها از جمله ساختارهای سلسله مراتبی در این زمینه هستند. سیاست‌گذاری، راهبردی و برنامه‌ریزی در زمینه‌ی احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی، فرسوده و ناکارآمد شهری و همچنین مدیریت استفاده بهینه از امکانات در جهت توسعه درونی شهرها و ارتقای محیط زندگی شهری از جمله اهدافی است که در زمینه‌ی بازآفرینی شهری ایران توسط ستاد بازآفرینی شهری ایران مورد توجه قرار گرفته است. بازآفرینی شهری صرفاً توجه به کالبد و ساختمان بنا نیست و توجه به ساختار درونی و اجتماعی دمیده شده در آن بسیار اهمیت دارد؛ چنانکه آن را به دمیدن روح و هویت جدید و قابل انطباق با فرهنگ بومی منطقه تشبیه می‌کنند. ایجاد هماهنگی و هم‌نوایی با مبانی زندگی اجتماعی مردم در این مناطق و بافت‌ها نیازمند توجه به تقویت بنیان‌های سرمایه‌ای از جمله سرمایه اجتماعی است. محله‌ها و محدوده‌های شهری با پیشینه روستایی حاصل الحاق روستاها به شهرها و عمدتاً در حاشیه شهرها قرار می‌گیرند و با توجه به ساختار فرهنگی، اجتماعی، کالبدی خاص خود نیازمند این هستند که علاوه بر تطبیق تدریجی ساختار متمایز خود با شهر، در زمینه‌ی نوسازی، بهسازی، بازآفرینی شهری نیز مورد توجه قرار گیرند. در این پژوهش سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد و مشارکت به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نهفته در ساختار اجتماعی، در حاشیه شهرها و همچنین روستاهای الحاقی به شهر در فرایند بازآفرینی شهری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ و در پایان به این سؤالات پاسخ خواهیم داد که اولاً شاخصه‌هایی مانند مشارکت و اعتماد که مورد بررسی هستند، در مفهوم سرمایه اجتماعی چه اهمیت و جایگاهی دارند و دوم اینکه ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی با محوریت اعتماد و مشارکت با مقوله بازآفرینی شهری به‌طور خاص در ارتباط با روستاهای الحاقی به شهر چگونه است؟

۲- پیشینه تحقیق

باهدف دستیابی به شناخت دقیق و درک روشنی نسبت به زوایای مرتبط با سؤالات تحقیق بعلاوه واکاوی خلأهای پژوهشی در زمینه‌ی تحقیق حاضر، مرور پیشینه صورت پذیرفته است. ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی زمینه‌های مختلف تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری در شهر شیراز با محوریت بازآفرینی فرهنگ محور، به تأثیرات مهم مدیریت بازآفرینی مشارکتی پرداخته و مشارکت در فرایند بازآفرینی را یکی از الزامات تحقق آن برشمرده است. زارعی و صفایی پور (۱۳۹۴) نیز با محوریت قرار دادن سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی محله محور و بازآفرینی شهری در همدان به این نتیجه رسیده است که اگر رویکرد به بازآفرینی اجتماع مدار، جامع، استراتژیک و یکپارچه باشد آنگاه بازآفرینی پایدار نیز محقق خواهد شد. نقدی و کولیوند (۱۳۹۵) با بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده کرمانشاه نشان دادند که در صورت پایین بودن توجه به مشارکت اجتماعی در فرایند بهسازی و نوسازی بروز مشکلات زیادی از جمله تفکرات مغایر در فرایند اجرا را به همراه خواهد داشت. مهرانفر و همکاران (۱۳۹۰) به تأثیرات کیفیت زندگی ساکنان

محلی بر میزان مشارکت آنان در فرایند بازسازی و بهسازی شهری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اکثریت افرادی که دارای سطح زندگی متوسط و پایین‌تر هستند به واسطه میل به تغییر شرایط زندگی اجتماعی خود میل بالایی به مشارکت در فرایند بهسازی و نوسازی در این مناطق دارند. محمدی و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با بررسی میزان سرمایه اجتماعی جهت نوسازی بافت فرسوده شهر زنجان بی‌اعتمادی به بدنه مدیریت شهری و برنامه‌ریزی‌ها را عامل به وجود آمدن شک و دودلی آن‌ها در فرایند مشارکت در این مسیر می‌دانند. وارثی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر بهسازی شهری در منطقه چهارده شهر اصفهان به این نتیجه رسیدند که بین وضعیت دسترسی ساکنان به امکانات و خدمات گوناگون و تمایل آن‌ها به انجام اقدامات بهسازی و همچنین میان انجام اقدامات توانمندسازی در منطقه و مشارکت شهروندان در بهسازی شهری، رابطه معناداری وجود دارد. نظم فر و عطار (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در نوسازی بافت فرسوده شهر اردبیل پرداخته‌اند که نتایج این پژوهش بیانگر معناداری بالای رابطه میان دو شاخص، میزان احساس تعلق به محله و میزان اعتماد نهادی محله با میزان مشارکت ساکنان بافت فرسوده و همچنین عدم معناداری رابطه بین شاخص میزان همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت ساکنان در فرایند نوسازی بافت فرسوده شهری است. بدین ترتیب، هرچند در ارتباط با موضوع بازآفرینی شهری با عنایت به مبحث سرمایه اجتماعی، تحقیقات زیادی انجام شده است و در برخی از این تحقیقات عامل مشارکت و اعتماد دیده شده است لیکن واکاوی نقش سرمایه‌های اجتماعی با تأکید بر پارامترهای اعتماد و مشارکت مردمی در بازآفرینی شهری مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهر صورت پذیرفته است. آنچه در این نوشتار موضوع بررسی‌ها قرار دارد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- سرمایه اجتماعی:

گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی تغییراتی را در ساختار و شکل شهرها پدید آورد، تماس مستقیم و صمیمانه افراد و روابط چهره به چهره، پیوندهای عاطفی نیرومند و پایدار و محبت میان اعضا، جای خود را به پیوندهای عاطفی ضعیف و موقت بین اعضای گروه‌ها، برخوردها فقط باهدف خاص و روابط چهره به چهره بسیار کم و محدود داد (عبدالله زاده فرد و طاهری، ۱۳۹۵: ۱۵۸). نیاز به تقویت این روابط و پیوندها در راستای اهداف موردنظر لزوم توجه به مفهومی اعتماد ساز و مروج مشارکت مردمی به نام سرمایه اجتماعی را تبیین می‌کند. اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار توسط هانیفان مطرح و سپس در ۱۹۶۰، جان جیکوبز در کتاب پرنفوذ «زندگی و مرگ در شهرهای بزرگ آمریکا» آن را به‌طور جدی مورد مطالعه قرار داده است (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۳). سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به‌صورت بالقوه در روابط اجتماعی گروه‌های نخستین، ثانوی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۸). همچنین از دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی دربرگیرنده برخی از جنبه‌های ساختار اجتماعی است که اقدامات خاص افراد درون ساختار جامعه را تسهیل و عملکردهای آن را تعیین می‌کند (Coleman, 1990: 3).

دیدگاه پوتنام (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد سازمان‌های اجتماعی بر پایه‌ی اعتماد، هنجارها و روابط شبکه‌ای شکل می‌گیرد که کارایی را از طریق هماهنگی در اقدامات بهبود می‌بخشد و ظرفیت‌های افراد، گروه‌ها را برای دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می‌کند و بالعکس فقدان آن منجر به بروز محدودیت‌هایی در فرایند توسعه در سطوح مختلف می‌شود. گروتاثر، نارایان، جونز و ولکاک بر اساس پیمایش‌هایی که توسط بانک جهانی در کشورهای در حال توسعه مانند (تانزانیا، بولیوی، بوركینافاسو و ...) انجام داده است، یک طیف شش بعدی برای سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند. این شش بعد عبارت‌اند از: (۱) گروه‌ها و شبکه (۲) اعتماد و انسجام (۳) عمل جمعی و همکاری (مشارکت) (۴) اطلاعات و ارتباطات (۵) همبستگی و شمول (۷) توانمندسازی و عمل سیاسی (Grootaert, 2004: 32). پاتنام سرمایه اجتماعی را به دو نوع شخصی و اجتماعی تعمیم می‌دهد و افزایش مشارکت‌های مدنی را سبب تبدیل اعتماد شخصی به اجتماعی می‌داند (حسینی امینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). درجایی دیگر پاتنام سرمایه اجتماعی محدود و اتصالی را در مقابل یکدیگر بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی محدود در گروه‌های همگون و سرمایه اجتماعی اتصالی در جوامعی متشکل از افراد غیرمشابه و دارای بخش‌های گوناگون برقرار می‌گردد (همان ۱۳۹۱: ۲۷) حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی به شهر نیز به‌عنوان بخشی ناهمگون و دارای ساختار اجتماعی گوناگون است که از این منظر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳- اعتماد مردمی

اعتماد تمایل فرد به قبول خطر در رفتار با دیگران مبتنی بر یک حسن اطمینان است که بر اساس آن، دیگران به‌گونه‌ای رفتار خواهند کرد که از آن‌ها انتظار می‌رود (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۴). از نظر گیدنز (۱۳۸۰) اعتماد قابلیت تشخیص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگران است (افشانی و همکاران، ۱۳۸۸). اعتماد از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نیاز در ایجاد ارتباط میان انسان‌هاست و با تغییر جوامع سنتی به جوامع مدرن شکل‌گیری آن نیز تغییر کرده است (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۶). اعتماد به سه صورت خود را نشان می‌دهد ۱- اعتماد بین شخصی یا اعتماد به افراد آشنا ۲- اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد به بیگانگان ۳- اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها (شارع پور، ۱۳۸۸: ۴) که اعتماد نهادی یا همان مدنی در بررسی تأثیرات آن بر بازآفرینی شهری مورد واکاوی قرار می‌گیرد. اعتماد در فرایند تحقق اهداف بازآفرینی شهری حلقه اتصال عواطف انسانی و امیال درونی شهروندان مناطق فرسوده شهری با مجریان و طراحان طرح‌های بازآفرینی شهری است. مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهرها به‌واسطه وجود حلقه‌های اجتماعی قوی‌تر و سنتی‌تر، در صورت به وجود آمدن یک اعتماد فراگیر و مستحکم می‌توانند با مشارکتی مؤثر و کارا تحقق اهداف بازآفرینان را تسهیل نمایند.

۳-۳- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، به معنی سهمی در چیزی داشتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷) به نظر گائوتری،

مشارکت اجتماعی، فرایند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. از مهم‌ترین آثار مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت می‌توان به ایجاد علاقه و اعتماد در مردم برای توسعه و پیشرفت، تقویت همبستگی اجتماعی، روحیه همکاری و همدلی، استفاده بهینه از منابع و امکانات و کاهش تمرکززدایی اشاره کرد (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۳۱۷-۳۱۶). مشارکت اجتماعی در کل عبارت است از شرکت فعال و سازمان‌یافته افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه به‌نحوی که:

۱- حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع حاصل آید؛

۲- از طریق مشارکت همه‌جانبه افراد و گروه‌های اجتماعی، پیوندها و انسجام اجتماعی استحکام یابد؛

۳- امکان بلوغ و شکوفایی استعدادها و تکامل و توسعه فردی و اجتماعی فراهم آید (تبریزی و آقا محسنی، ۱۳۸۹: ۵).

مشارکت در تحقق فرایند بازآفرینی شهری از جمله مهم‌ترین برگ خریدهای مؤثر در نهادینه شدن سرمایه اجتماعی مردم محور است که رسیدن به این هدف نیازمند برنامه‌ریزی سلسله مراتبی و منظم، تحکیم روابط اعتماد ساز و ایجاد زمینه‌های تحول اجتماعی در آن مناطق است.

۳-۴- بازآفرینی شهری

انواع رویکردهای مداخله‌ای در بافت‌های فرسوده شهری چهار شکل (۱) ساماندهی باهدف هدایت و کنترل (۲) حفاظت (۳) مداخله سازنده باهدف بهسازی، بازسازی اصلاح یا احیای فضای شهری و حفاظت فعال (۴) مداخله بنیادی باهدف نوسازی، حفاظت فعال، ایجاد فضا و ساختارهای نوین شهری انجام می‌گیرد (صباحی ۱۳۹۲: ۴۸). بازآفرینی می‌تواند شامل شباهت‌های ظاهری سازمان فضایی معاصر با سازمان فضایی کهن باشد ولی رفتارهای سازمان فضایی معاصر و هنجارهای حادث شده از آن‌ها هیچ شباهتی به آنچه از قبل بوده، نخواهد داشت و خود دارای شخصیت و هویتی مستقل می‌باشند (حبیبی، مقصودی، ۱۳۹۱: ۲۳). بازآفرینی شهری که می‌توان آن را معادل عبارت *Urban Regeneration* دانست به معنی آفرینش مجدد است، یعنی روح دیگری در کالبد بنا، مجموعه یا بافت دمیده شده است. بازآفرینی شهری بینش و عملی جامع و یکپارچه است که تمایل به بهبود مداوم در شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی ناحیه‌ای دارد که در معرض تغییر قرار گرفته است (Robert & Sykes, 2003: 140). به نقل از رضایی و حج فروش، (۱۳۹۷). دربیانی دیگر بازآفرینی شهری گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای نوسازی شهری، توسعه شهری و باز زنده سازی شهری است؛ فراتر از نوسازی شهری که کاج از آن به‌عنوان فرایند تغییرات کالبدی بنیادین نام می‌برد (کوچ، ۱۹۹۰: ۲)؛ فراتر از توسعه شهری یا همان توسعه مجدد که دارای اهداف کلی و به‌طور کامل تعریف نشده است؛ و همین‌طور فراتر از باز زنده سازی و یا همان توانمندسازی که باوجود اشاره‌اش مبنی بر لزوم انجام اقدامات، در تعیین یک روش برای دستیابی به آن ناتوان می‌ماند (به نقل از همان، Robert & Sykes, 1999: 161). بازآفرینی شهری سیاستی جامع و دربرگیرنده ابعاد کلیدی: موضوعات مالی و اقتصادی، دیدگاه‌های فیزیکی و محیطی

بازآفرینی، موضوعات اجتماعی، اشتغال، آموزش، تربیت و مسکن است (ایزدی، فیضی ۱۳۸۹:۷۷). ایزدی و صحنی زاده (۱۳۸۳) سیر تکاملی بازآفرینی شهری را از دهه ۱۹۵۰ تا پایان قرن گذشته را به ۵ دوره مختلف دسته‌بندی کرده‌اند (صباغی، ۱۳۹۲:۴۹)

جدول ۱- سیر تکاملی مفهوم بازآفرینی شهری

نوع سیاست هر دوره	دهه ۱۹۵۰ بازسازی	دهه ۱۹۶۰ باز زنده سازی	دهه ۱۹۷۰ نوسازی	دهه ۱۹۸۰ توسعه مجدد	دهه ۱۹۹۰ بازآفرینی
راهبرداصلی و جهت‌گیری	بازسازی و گسترش مناطق قدیمی‌تر شهرها و شهرک‌ها بر مبنای طرح‌های جامع و رشد حومه‌نشینی	تداوم راهبردهای دهه ۱۹۵۰، رشد حاشیه‌ای، برخی تلاش‌های اولیه درباره تجدید اسکان	تمرکز بر روی نوسازی درجای اولیه خود و طرح‌های واحد همسایگی، کماکان توسعه در حاشیه شهر	طرح‌های متعدد بزرگ برای توسعه و توسعه مجدد پروژه‌های بزرگ مقیاس و پرهزینه، پروژه‌های خارج از شهر	حرکت به سوی شکل بسیار جامعی از سیاست‌گذاری و اعمال تمرکز بر روی راه‌حل‌های یکپارچه
متصدیان بانفوذ و گروه‌های ذینفع	دولت ملی و محلی، پیمانکاران و توسعه دهندگان بخش خصوصی	حرکت به سوی توازن بیشتر میان بخش‌های دولتی و خصوصی	نقش جهان افزایش بخش خصوصی و تمرکززدایی از طریق دولت محلی	تأکید بر نقش بخش خصوصی و کارگزاران خاص، افزایش مشارکت	مشارکت بعنوان رهیافت غالب
کانون اقتصادی	سرمایه‌گذاری بخش دولتی با مداخله نسبی بخش خصوصی	ادامه روند دهه ۱۹۵۰ با افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	محدودیت منابع بخش دولتی و رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	تسلط بخش خصوصی با تأمین‌گزینی بودجه از سوی بخش دولتی، داوطلبانه	توازن بیشتر بودجه تأمین‌شده از سوی بخش دولتی، خصوصی و داوطلبانه
محتوای اجتماعی	بهبود معیارهای زندگی و ساخت	بهبود اجتماعی و رفاه	اقدام اجتماع مدار و توانمندسازی بیشتر	خودپاری اجتماعی با حمایت بسیار گزینشی دولت	تأکید بر نقش جامعه
تأکید فیزیکی	جایگزینی نواحی درونی و توسعه حاشیه‌ای	تداوم برخی رویکردهای دهه ۱۹۵۰ موازی با توانمندسازی نواحی	نوسازی گسترده بیشتر در نواحی شهری قدیمی‌تر	طرح‌های بزرگ جایگزینی و توسعه جدید، طرح‌های کلان مقیاس و پرهزینه	میان‌روتر از دهه ۱۹۸۰، توجه به میراث و نگاهداشت ابنیه
رویکرد محیطی	منظرسازی و تا حدودی گسترش فضای سبز	بهبودی‌های گزینشی	بهبودی محیطی همراه با برخی ابتکارات	افزایش توجه به رویکردی گسترده‌تر نسبت به محیط	معرفی ایده گسترده تری از پایداری محیط

منبع (ایزدی و صحنی زاده، ۱۳۸۳)

۴- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع کاربردی است. بدین ترتیب ضمن توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود در ارتباط با نقش سرمایه‌های اجتماعی در بازآفرینی شهری با تأکید بر مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهر، پارامترهای اعتماد و مشارکت مردمی مورد مذاقه قرار گرفته‌اند. تحقیق از نوع کاربردی است و می‌توان طبق یافته‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را بهتر و روشن‌تر برنامه‌ریزی نمود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای شامل مرور کتب و مقالات مرتبط به منظور تعمیق ادبیات و سوابق مسئله تحقیق است.

۵- یافته‌های تحقیق

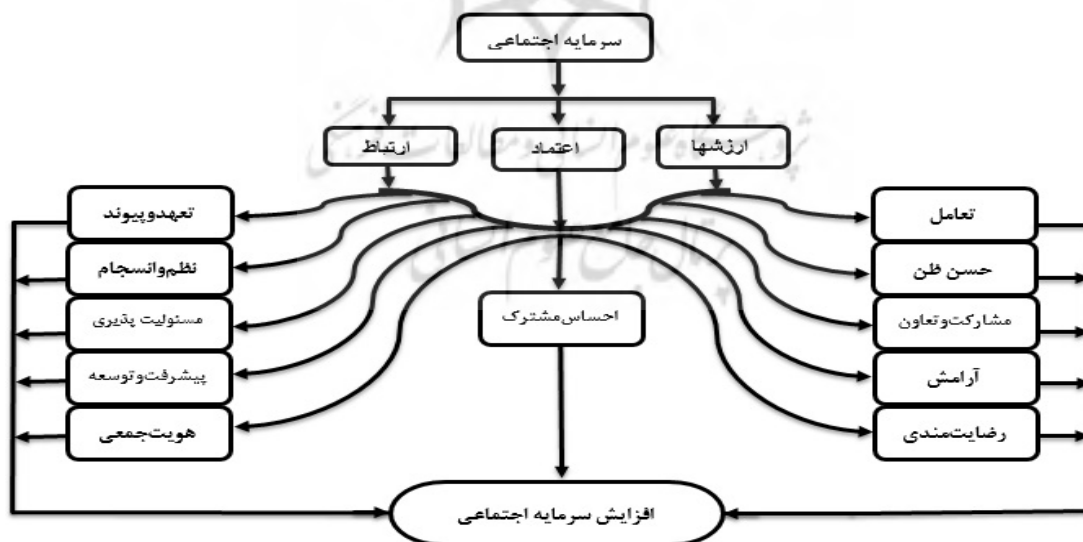
۵-۱- سازوکار بازآفرینی شهری در بافت‌های حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی به شهر

فرایند بازآفرینی شهری در ایران را می‌توان با هفت گام مشخص تبیین، توسعه و اجرا کرد: گام نخست تبیین چارچوب نظری، اصول، مبانی، سیاست‌ها، راهبردهای بازآفرینی شهری پایدار است. گام دوم تشکیل شبکه همکاری مشترک در سطح ملی استانی و شهری. گام سوم تدوین برنامه‌ریزی جامع برای تحقق اهداف بازآفرینی شهری. گام چهارم شناسایی، ایجاد، تقویت ظرفیت‌ها و نهادها در فرایند بازآفرینی شهری. گام پنجم فراهم کردن ابزارهای مالی و قانونی در عرصه عمل. گام ششم تحول در طرح‌ریزی بازآفرینی شهری. گام هفتم اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری در قالب پروژه‌های شهری؛ اما باید توجه داشت که تمامی این گام‌ها و مراحل نیازمند مشارکت و همکاری بخش‌های مختلف و کنشگران اصلی بازآفرینی شهری است. در فرایند طراحی، اجرا و نظارت بازآفرینی شهری به‌طور کلی بخش‌های مختلفی از جامعه و سیستم اداره شهر و کشور در غالب کنشگران بازآفرینی شهری در آن دخیل هستند که عبارت‌اند از (۱) بخش خصوصی: این بخش دربرگیرنده جامعه حرفه‌ای؛ شامل تمامی دستگاه‌ها و شرکت‌های تخصصی، سرمایه‌گذاران نهادهای تأمین‌کننده سرمایه، جامعه نخبگان هستند، یا به عبارتی مجموعه عوامل و دستگاه‌های که در زمینه تحقیقات و پژوهش و آموزش و مطالعات صاحب‌نظر و صاحب‌قلم‌اند. (۲) دولت: دولت مشتمل بر کلیه دستگاه‌های اجرایی، نهاد سیاست‌گزار، ناظر و هدایت‌کننده فرایند بهسازی و نوسازی شهری است. (۳) مردم: به‌عنوان اولین و مهم‌ترین جامعه ذینفع نوسازی و بهسازی بافت، پایه و قاعده اصلی مشارکت فعال در امر نوسازی شامل ساکنان، شاغلان، مستاجرین، مالکان و مراجعین است. (۴) شهرداری‌ها: این دسته شامل شهرداری‌ها و نهادهای وابسته از جمله شوراهای اسلامی شهر، سازمان‌های نوسازی شهری و انجمن‌های شورایی وابسته به شوراهای شهر (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران (ب)، ۱۳۹۳:۳). در همین راستا، کارلی (۲۰۰۰) یکی از مهم‌ترین پیچیدگی‌های برنامه‌های بازآفرینی شهری با محوریت مشارکت کنشگران اصلی آن را، ترغیب همه کنشگران به مشارکت فعال، در فرایند مشارکت جهت انجام فرایندهای بازآفرینی شهری است.

۵-۲- ارتباط بحث سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد مردمی

یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری برهمکنش‌های اجتماعی پیوسته و روابط اجتماعی سازنده و مشارکتی در هر جامعه‌ای وجود اعتماد در میان کنشگران آن جامعه است؛ این اعتماد به صورت بین شخصی، اجتماعی، نهادی، فضای رابطه‌ای افراد با یکدیگر، با کارگزاری‌های اجتماعی و همچنین با سازمان‌های حکومتی را شکل می‌دهد (علی پور و همکاران ۱۳۸۸: ۱۲۹). بدین صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد، گروه و سازمان‌های اجتماعی بیشتر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است (نعمت‌اللهی و همکاران ۱۳۹۲: ۱۸۱). کارکنان و همکاران (۱۳۸۸) به نقل از فوکویاما اعتماد را به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌کند (همان، ۱۳۹۲: ۱۸۱). اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در یک جامعه از جمله مشارکت همپوشانی دارد (علی پور و همکاران ۱۳۸۸: ۱۳۰). اعتماد پیش شرط مشارکت است و هر دو مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند. زمانی که یک مشارکت در گروه یا سازمان و یا اجتماعی شکل می‌گیرد برای دوام و پایداری همکاری‌ها، همبستگی‌ها، افزایش بروز توانمندی‌ها، تداوم و برقراری شبکه‌های اجتماعی نیاز به یک اعتماد اجتماعی و درون‌گروهی بالا است. همان‌گونه که صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی معتقدند اعتماد اجتماعی بنیاد مشارکت را تشکیل می‌دهد و زیاد بودن آن موجب افزایش مشارکت و کمبود آن موجب کاهش مشارکت خواهد بود. عبدالرحمانی (۱۳۸۴) در پژوهشی با محوریت اعتماد اجتماعی، عوامل تأثیرگذار بر افزایش سرمایه اجتماعی را مطابق نمودار زیر بیان می‌کند

شکل ۲- نمودار عوامل مؤثر بر میزان سرمایه اجتماعی

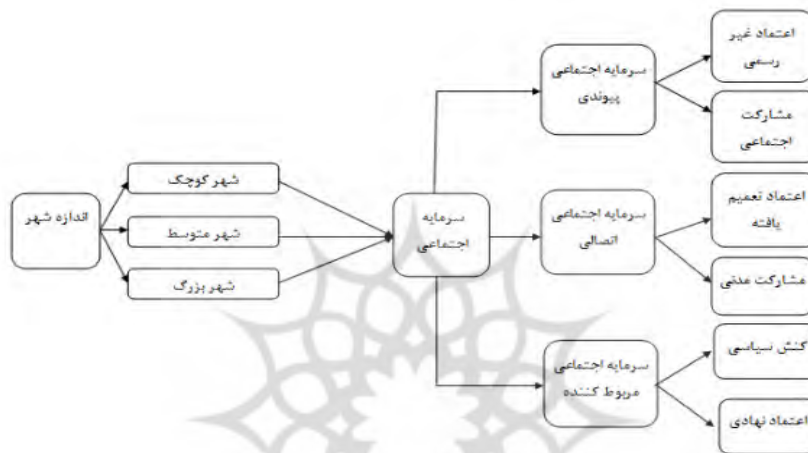


منبع (عبدالرحمانی، ۱۳۸۴)

با توجه به نمودار معیار انتخاب مشارکت و اعتماد اجتماعی به عنوان محوریت بررسی میزان سرمایه اجتماعی در روستاهای الحاقی به شهر جامعیت و اثرگذاری آن‌ها بر دیگر پارامترهای سرمایه اجتماعی است. با نگاهی

ریز بینانه به همه پارامترهای اثربخش درزمینه‌ی افزایش میزان سرمایه اجتماعی مثبت می‌توان به ارتباط عمیق مستقیم یا غیرمستقیم آن‌ها با مشارکت و اعتماد پی برد. چنانکه تعامل، تعاون، هویت جمعی، توسعه، انسجام گروهی، پیوند و احساس مشترک جز در کالبد یک مشارکت فراگیر و هدفمند تحقق نمی‌یابد و از سوی دیگر حسن ظن، آرامش، رضایتمندی تعهد، مسئولیت‌پذیری هم می‌توانند رهاورد اعتماد و یا خود عاملی برای تحقق اعتماد اجتماعی باشند... پیری و همکاران (۱۳۹۰) در تبیین یک مدل مفهومی برای موقعیت‌های جغرافیایی و جمعیتی مختلف مانند شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک با ارائه جزئیاتی بیشتر اهمیت اعتماد و مشارکت را در افزایش سرمایه اجتماعی ارائه نمودند

شکل ۳- نمودار سرمایه اجتماعی با توجه به موقعیت جغرافیایی و جمعیتی



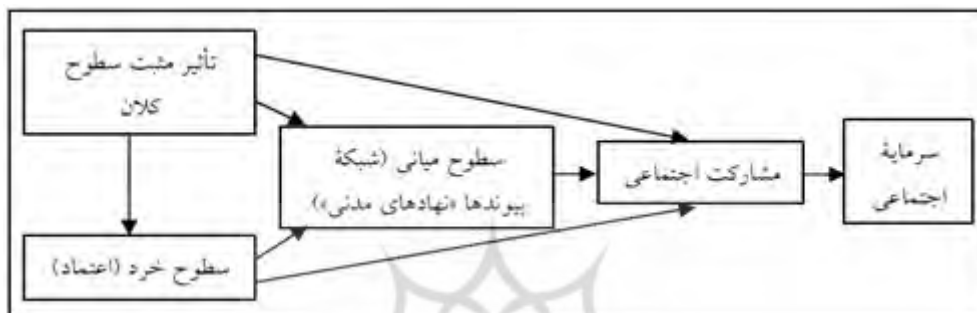
منبع (پیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰)

آن‌ها سرمایه اجتماعی پیوندی، اتصالی و مربوط کننده را در محدوده اعتماد و مشارکت مورد تحلیل قرار دادند. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان چنین استدلال کرد که نوع مشارکت و اعتماد در بافت‌های حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهر با نوع مشارکت و اعتماد دودیدار دیگر مناطق شهر متفاوت است. پوتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین به سه دلیل کمتر است، (الف) تلف شدن وقت حاشیه‌نشین‌ها و کاهش ملاقات و دیدارها، (ب) با افزایش تفکیک اجتماعی شاهد کاهش میل به مشارکت خواهیم بود و مشارکت‌ها محدود به عوامل نژادی و قومی می‌شود، (ج) از بین رفتن بستگی درونی اجتماع.

علی رقم اینکه اعتماد درونی و همبستگی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی به شهرها زیاد است و به تعبیر پوتنام سرمایه اجتماعی درون‌گروهی حاصل از عوامل نژادی، قومی، سنی، جنسی بیشتر است و منجر به شکل‌گیری خودهای انحصاری می‌شود اما سرمایه اجتماعی بین گروهی باعث اتصال افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه با هویت‌های باز و خالی از تعصب به یکدیگر می‌گردد (حبیب پور گتایی، موسوی خورشیدی، ۱۳۹۵: ۳۶۴). اعتماد غیررسمی و مشارکت اجتماعی درونی در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر از دیگر مناطق است، البته این دو شاخص در سطح درون‌گروهی و خاص گرایانه مطرح بوده است و این دو عامل زمانی به عنوان منبع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که به سطح بین گروهی و عام گرایانه ارتقاء یابند

(محمودی و نیک‌خواه ۱۳۹۱:۱۲) با توجه به اینکه مناطق روستایی الحاقی به شهرها در حومه و حاشیه شهرها قرار می‌گیرند یافته‌های مذکور را به جامعه حاشیه‌نشین روستایی تعمیم داده می‌شود.
 موسوی (۱۳۸۵) تأثیر سطوح کلان و سطوح خرد (اعتماد) و شبکه پیوندها را در سطح میانی عاملی برای رسیدن به مشارکت اجتماعی می‌داند و معتقد است که در سطوح اثرگذاری مختلف ارتباط اعتماد و شبکه منجر به یک مشارکت فراگیر اجتماعی شده و در نهایت سرمایه اجتماعی افزایش میابد. رهاورد این بررسی اهمیت بالای مشارکت و اعتماد به‌عنوان پایه‌های اصلی شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی است.

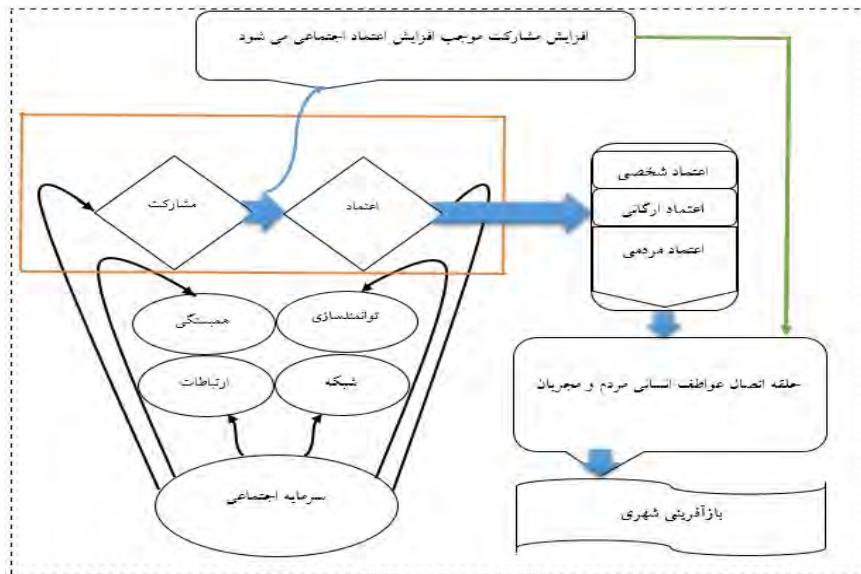
شکل ۴- نمودار عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی



منبع (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۸)

۵-۳- تبیین جایگاه سرمایه اجتماعی و معیارهای مشارکت و اعتماد مردمی در بازآفرینی شهری

بر اساس چارچوب بازآفرینی شهری پایدار، توانمندسازی ساکنان، حفاظت از ارزش‌ها، احیاء و ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان محله‌ها از اهداف اصلی در امر بازآفرینی شهری است (حکیم ۱۳۹۳:۱۲۴). در این راستا توجه به سرمایه اجتماعی و تقویت پارامترهای آن می‌تواند به افزایش مشارکت و اعتماد لازم در جهت رفع مشکلات کمک کند. ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) از فواید مهم سرمایه اجتماعی بالا در فرایند بازآفرینی شهری را افزایش پذیرش و مشارکت مردم محلی در اجرای طرح می‌داند. چنانکه در مدل طراحی شده می‌توان به‌عنوان یک حلقه اثرگذاری مثبت مشاهده کرد با افزایش اعتماد بین مردم و مجریان فضای تحقق یک مشارکت فراگیر فراهم خواهد شد.



منبع (نگارندگان، ۱۳۹۷)

بر اساس چارچوب بازآفرینی شهری پایدار، توانمندسازی ساکنان، حفاظت از ارزش‌ها، احیاء و ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان محله‌ها از اهداف اصلی در امر بازآفرینی شهری است (حکیم ۱۳۹۳: ۱۲۴). در این راستا توجه به سرمایه اجتماعی و تقویت پارامترهای آن می‌تواند به افزایش مشارکت و اعتماد لازم در جهت رفع مشکلات کمک کند. ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) از فواید مهم سرمایه اجتماعی بالا در فرایند بازآفرینی شهری را افزایش پذیرش و مشارکت مردم محلی در اجرای طرح می‌داند (موحد و همکاران ۱۳۹۵: ۱۱۳). چنانکه در مدل طراحی شده می‌توان به‌عنوان یک حلقه اثرگذاری مثبت مشاهده کرد با افزایش اعتماد بین مردم و مجریان فضای تحقق یک مشارکت فراگیر فراهم خواهد شد. حلقه اتصال بین مردم محلی و مجریان و طراحان میزان اثربخشی روابط اجتماعی است که در قالب مشارکت و اعتماد بروز می‌کند. نکته مهم دیگر اینکه در این نمودار به اهمیت جایگاه اعتماد و مشارکت به‌عنوان دو مؤلفه هم‌افزا و پوشش‌دهنده تأکید شده است. اعتماد شخصی در بافت‌های مذکور به‌عنوان یک پارامتر غالب قابل مشاهده است اما نیاز سرمایه اجتماعی فراگیر افزایش شعاع این اعتماد بین مردم و مجریان و طراحان است. در ادبیات مکتوب در این زمینه افزایش اعتماد منجر به افزایش مشارکت می‌شود اما شاید بتوان این رابطه را به نحوی دوطرفه نیز در نظر گرفت به این صورت که با افزایش مشارکت انواع ارتباط و در نتیجه اعتماد نیز افزایش یابد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی و فراگیر در بسیاری از تحولات جامعه‌محور، مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. نوع روابط حاکم بر کشورهای مختلف تعاریف متعددی از لایه‌های مفهومی سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد. نه تنها تعریف کاملاً واحدی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی وجود ندارد بلکه نحوه تداوم بخشی و پایدارسازی آن نیز بستگی به راهبردها و فرهنگ حاکم بر جامعه هدف دارد. اولویت‌بندی و یا

شاخص‌گزینی هر یک از مؤلفه‌های سازنده این مفهوم، بستگی به الزامات، نیازهای جامعه و طرح‌های اجرایی در جامعه هدف دارد؛ اما به‌طور کلی می‌توان چند مؤلفه جامع و اثرگذار که وجه مشترک تعاریف و نظرات هستند، مشارکت، اعتماد، شبکه اجتماعی را شاخص دانست. مقوله بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری در محدوده شهرها یک کارکرد نوین اجتماع‌محور در مطالعات شهری است. بافت فرسوده با عبور از زمان و نیازهای تاریخی تبدیل به یک ارزش ناکارآمد شده که علاوه بر معضلات کالبدی و اثرات منفی برمبلمان شهری تبدیل به یک ناهنجاری اجتماعی در بعد مکان نیز شده است. حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی به شهرها به‌صورت عمده درگیر این معضل خواهند بود. البته بازآفرینی شهری محدود به بعد کالبدی جامعه شهری نمی‌شود بلکه ابعاد اجتماعی آن را نیز هدف گرفته است. روستاهای الحاقی به شهرها با یک تضاد و سردرگمی فرهنگی و اجتماعی ناشی از تلاقی فرهنگی دچار خواهند بود که زمینه‌ساز به وجود آمدن معضلات اجتماعی و فرهنگی است. مبانی سنتی فرهنگ روستایی سرشار از رابطه‌های عاطفی، احساسی، قومی و قبیله‌ای و یا محلی است که در فرهنگ متمدنی و شبه مدرن شهر به دنبال جایگاه و قالب جدید است. مشارکت و اعتماد در مناطق روستایی با توجه به مقتضیات و نیازهای آن‌ها شعاع کیفی و کمی مختص به جامعه روستایی رادار است و پس از الحاق آن‌ها به شهر نیازمند گسترش دید و شعاع کیفی و کمی آن است. توجه به اعتماد و مشارکت در بازآفرینی شهری مستلزم توجه به پارامترهای کلان‌تر و حقیقی‌تر است. لزوم توجه به سرمایه اجتماعی در بازآفرینی شهری حیاتی‌تر از توجه به پارامترهای عمرانی و اجرایی است زیرا آفرینش یک هویت جدید در کالبد یک تاریخ و یا سنت نیازمند پذیرش و همکاری مردم آن جامعه است. در پژوهش حاضر ابتدا سعی در باز کردن تمامی جنبه‌های اثرگذار در پروسه بازآفرینی شهری بوده است و سپس با توجه به اهمیت آن جنبه مشارکت و اعتماد اجتماعی را تشریح شده است. همچنین نوع مشارکت و اعتماد در حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی با توجه به موقعیت اجتماعی و جمعیتی تشریح شده است. با توجه به کمبودهای فرهنگی و جامعه‌شناختی این مناطق تأکید بر استفاده از سرمایه اجتماعی با محوریت افزایش مشارکت و افزایش اعتماد فراگیر و بیرونی بوده است و بررسی نقش پوششی مشارکت و اعتماد اجتماعی نسبت به دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی انجام گردیده است. در این راستا دو پیشنهاد اساسی مطرح می‌گردد:

❖ راهبردهای به‌کارگیری بازآفرینی شهری در حاشیه شهرها و روستاهای الحاقی باید افزون بر توجه به شاخصه‌های کلی سرمایه اجتماعی، برآسیب‌شناسی روابط موجود در بافت‌های جمعیتی مناطق نیز مبادرت بورزد.

❖ با توجه به نوع ارتباطات و سرمایه اجتماعی خاص در مناطق حاشیه‌ای و روستاهای الحاقی، از پتانسیل‌های بومی در جهت افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی استفاده گردد.

منابع

۱. ابوالقاسم حیدرآبادی. ۱۳۸۹. اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران). مطالعات جامعه‌شناختی جوانان پیش ۱. ۳۹.
۲. آلن بیرو، باقر ساروخانی. ۱۳۷۰. فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی). کیهان
۳. امیر محمودی، زهرا نیک‌خواه. ۱۳۹۱. بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز. چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
۴. پروین علی پور، محمدجواد زاهدی، ملیحه شیانی. ۱۳۸۸. اعتماد و مشارکت؛ بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران. جامعه‌شناسی ایران ۲. ۱۰۹-۱۳۵.
۵. پگاه ایزدی، زهره هادیانی، علی حاجی نژاد، جعفر قادری. ۱۳۹۵. واکاوی زمینه‌های تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی شهری فرهنگ محور (بافت تاریخی - فرهنگی شهر شیراز). جغرافیا. ۴۶۱.
۶. جلیل محمدی*، علیرضا محمدی. ۱۳۹۶. بررسی میزان سرمایه اجتماعی جهت نوسازی بافت فرسوده شهر زنجان. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۶۵-۸۶.
۷. جواد مهدی‌زاده، محمدحسین پیرزاده‌نهوچی، مهین‌دوخت امیری، محمدحسین جهانشاهی، محمدتقی مطلق، هایده صراف‌زاده. ۱۳۹۵. برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). آرمانشهر
۸. حسن کامران، زهرا موسوی، حسن حسینی امینی. . جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل (نمونه موردی: استان سیستان و بلوچستان). چشم انداز جغرافیایی. ۲۶-۳۶.
۹. حسین کلاتری خلیل‌آباد، احمد پوراحمد، مسعود کلاتری خلیل‌آباد. ۱۳۸۵. فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
۱۰. حمیدرضا طاهری، علیرضا عبدالله زاده فرد. ۱۳۹۶. بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تعهد اجتماعی شهروندان. کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی
۱۱. خلیل حاجی پور. ۱۳۸۵. «برنامه ریزی محله - مینا» رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. هنرهای زیبا ۲۶. ۳۷.
۱۲. دکتر حسین نظم‌فر*، محمد امین عطار. ۱۳۹۳. نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در نوسازی بافت فرسوده شهری مورد شناسی: بافت فرسوده شهر اردبیل. جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای ۱۲. ۵۱-۶۶.
۱۳. دکتر حمیدرضا وارثی، دکتر رسول ربانی، مسعود حاج بنده افوسی. ۱۳۹۱. تحلیل عوامل موثر بر بهسازی شهری (مطالعه موردی منطقه چهارده شهر اصفهان). مطالعات جامعه‌شناختی شهری ۴. ۱۴۳.

۱۴. دکتر محمد آیینی، مهندس زهرا السادات اردستانی. ۱۳۸۸. هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه های توسعه درون زای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری). هویت شهر ۵. ۴۷.
۱۵. دکتر احمد پوراحمد، دکتر کیومرث حبیبی، مهناز کشاورز. ۱۳۸۹. سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نودر بافت های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۱۰. ۷۳.
۱۶. دکتر محمدرضا پورمحمدی، دکتر کریم حسین زاده دلیر، عیسی پیری. ۱۳۹۰. تحلیلی بر دگرگونی کیفی سرمایه اجتماعی در نظام شهری؛ نمونه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی. *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک* ۳. ۱-۱۹.
۱۷. دکتر میر طاهر موسوی. ۱۳۸۵. مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی. *رفاه اجتماعی* ۲۳. ۶۷.
۱۸. رضا عبدالرحمانی. ۱۳۸۴. تاثیر اعتماد اجتماعی به عنوان نشانگان سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمان پلیس. *دانش انتظامی* ۳. ۱۱۶.
۱۹. زهرا (میلا) علمی، محمود شارع پور، سید امیرحسین حسینی. ۱۳۸۴. سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد. *تحقیقات اقتصادی* ۷۱. ۲۳۹.
۲۰. زهرا نعمت‌اللهی، امیر حمزه فرج‌الهی، محمدحسین میر جلیلی، حسین مؤمنی فرد. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی). *مدیریت نظامی* ۵۰. ۱۷۵-۲۰۲.
۲۱. سید علیرضا افشانی، عباس عسکری ندوشن، سمیه فاضل نجف آبادی، محمد حیدری. ۱۳۸۸. اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل. *جامعه شناسی کاربردی* ۴. ۵۷.
۲۲. عاطفه صباغی. ۱۳۹۲. تدوین سازوکار به کارگیری بازآفرینی شهری در مواجهه با بافت های فرسوده شهری مطالعه موردی: محله جولان شهر همدان. *مطالعات محیطی هفت حصار* ۴۵.
۲۳. علی موحد، علی گلی، پگاه ایزدی. ۱۳۹۲. کارکرد رهیافت بازآفرینی پایدار شهری محله های حاشیه‌نشین (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی سعدی شیراز). *پژوهشهای جغرافیای انسانی* ۸۳. ۱۰۵.
۲۴. علیرضا محسنی تبریزی، مریم آقامحسینی. ۱۳۸۹. بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری، مورد پژوهی: شهر محلات. *مدیریت شهری* ۲۶. ۱۶۲-۱۴۷.
۲۵. کرم حبیب پور*، سید حمیدرضا موسوی خورشیدی. ۱۳۹۵. رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان قم). *رفاه اجتماعی* ۳۵۹-۳۹۱.
۲۶. گزارش سلسله نشست های شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی ایران. شهرنگار ۷۳-۷۴. ۱۲۰.

۲۷. محسن حبیبی، ملیحه مقصودی. ۱۳۸۶. مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ
۲۸. محسن حبیبی، ملیحه مقصودی. ۱۳۹۱. مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ
۲۹. محسن حبیبی، ملیحه مقصودی. ۱۳۹۱. مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ
۳۰. محمد سعید ایزدی*، رضا فیضی. ۱۳۸۹. بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری. هفت شهر ۳۳-۳۴. ۷۳.
۳۱. محمود شارع پور، تقی آزاد ارمکی، علی عسکری. ۱۳۸۸. بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بیندانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی. جامعه‌شناسی ایران ۹۸-۶۴. ۱.
۳۲. مدیا حکیم. . بررسی نقش ظرفیت سازی در بازآفرینی شهری پایدار؛ نمونه موردی: خانه کتابدار محله منیریه تهران. هفت شهر. ۱۲۲.
۳۳. مسعود صفایی پور، جواد زارعی*. ۱۳۹۶. برنامه ریزی محله محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: محله جولان شهر همدان). آمایش جغرافیایی فضا. ۱۳۵-۱۵۰.
۳۴. مصطفی مهران فر، دکتر احمدرضا اصغرپور ماسوله، احمد فولادیان. ۱۳۹۱. تاثیر کیفیت زندگی مالکان و ساکنان بافت‌های فرسوده بر تمایل آنان به مشارکت در بهسازی و نوسازی در شهر مشهد. علوم اجتماعی ۲. ۱۵۷-۱۸۲.
۳۵. منصور حقیقتیان، رسول ربانی، سهیلا کاظمی. ۱۳۸۷. تاثیر سرمایه اجتماعی بر فعالیت شغلی دبیران مقطع متوسطه شهرستان اصفهان. پژوهش در برنامه ریزی درسی ۱۷-۱۸. ۱۴۷.
۳۶. مهشید صبحی زاده، محمد سعید ایزدی. ۱۳۹۴. حفاظت و توسعه شهری؛ دو رویکرد مکمل یا متغیر؟. شهر و ساختمان ۹۱. ۴۹.
۳۷. نقدی، ا. اسدالله، کولیوند، شکیبا. (۲۰۱۵). بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه ساماندهی بافت فرسوده خیابان مدرس کرمانشاه). مطالعات مدیریت شهری، ۷(۲۱)، ۲۰-۲.

38. Carley, M. (2000). *Urban partnerships, governance and the regeneration of Britain's cities. International Planning Studies, 5(3), 273-297.*

39. Coleman, J. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge: Belknap Press.
40. Couch, C. (1990). *Urban renewal: Theory and practice*. Macmillan International Higher Education.
41. Evans, G. (2005). *Measure for measure: Evaluating the evidence of culture's contribution to regeneration*. *Urban studies*, 42(5-6), 959-983.
42. Francini, M. Chimirri, R. Palermo, A. & Viapiana, M. F. (2018). *Urban reuse of public spaces in "central suburbs". Two districts between two rivers in the city of Cosenza (Italy)*. *Urban Research & Practice*, 1-18.
43. Grootaert, C. Narayan, D. Jones, V. N. & Woolcock, M. (2004). *Measuring social capital: An integrated questionnaire*. The World Bank.
44. Putnam, R. D. (1993). *The prosperous community. The american prospect*, 4(13), 35-42.
45. Roberts, M. J. & Sykes, E. D. (2003). *Belief bias and relational reasoning*. *The Quarterly Journal of Experimental Psychology Section A*, 56(1), 131-153.
46. Roberts, P. & Sykes, H. (Eds). (1999). *Urban regeneration: a handbook*. Sage.

